کرند

ای بلبلان ای بلبلان فصل گل و گلزار شد

ای عارفان ای عارفان آن غیب در اظهار شد

ای عاشقان ای عاشقان معشوق رخ بنمود عیان

ای طالبان ای طالبان مطلوب در دیدار شد

صبح جمال حقّ دمید انوار مطلق شد پدید

از حبس تن باید رهید تا در هوا سیّار شد

آن دلبر پرده‌نشین وان خسرو چرخ برین

چون یوسف مصری کنون در کوچه و بازار شد

آن غیب در قاف بقا پوشیده بد صد دهرها

اینک چه خورشید سما بر دشت از کهسار شد

بازار جمله عاشقان از زلف مشک ترفشان

وز شکر لعلش عیان چون دکّهٴ عطّار شد

خمها همه در جوش شد عقل و نهی مدهوش شد

زهر کشنده نوش شد تا جام حقّ سرشار شد

تسبیح زنّار آمده تزویر بر باد آمده

زاهد ز عشق روی او در کوچهٴ خمّار شد

تقوی بیکسو شد نهان سالوس آمد لب‌گزان

تا سرو قدّش در جهان چون کبک در رفتار شد

کنز خفی ظاهر شده سیمرغ جان طایر شده

کشف همه اسرار شد خرق همه استار شد

بلبل بشاخ گل پرید عاشق ببحر دل رسید

طوطی بهندستان دوید اغیار جمله یار شد

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۱ ژانویه ۲۰۲٣، ساعت ٢:٠٠ بعد از ظهر